

قصه سیمرغ؛ از عطار تا فجر



امیرحسین جودری
گروه فرهنگ و هنر

وقتی به جشنواره‌های سینمایی در سراسر جهان، مانندبرلین یاوینزنگاه می‌کنیم، علی‌رغم تمام تفاوت‌هایی که دارند، یک وجه مشترک میان آنها خودنمایی می‌کند: جوایزی که این رویدادها به برگزیدگان خود اهدا می‌کنند، همگی المان‌هایی از حیوانات است، مانند خرس نفرای برلین یا شیر طلایی وینز. جشنواره فجر، که به‌عنوان جشن سینمای ایران شناخته می‌شود نیز جایزه‌ای به‌نام سیمرغ دارد که بر پایه‌ی بلورین قرار گرفته‌است. نکته‌جالب این‌است‌که‌ازابتدای برگزاری این رویداد، فجرآشیاونه سیمرغ اسطوره‌ای نبوده وداستان‌های نهفته‌ای پشت این‌پرنده افسانه‌ای وجود دارد. «سیمرغ» پرنده اسطوره‌ای و افسانه‌ای ایران‌زمین و یکی از نمادهای مهم ادبیات فارسی است که در داستان‌ها و روایت‌های مشهوری همچون «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری و شاهنامه فردوسی حضور و نمودی پررنگ دارد. همچنین دراوستا، سنگ‌نوشته‌ها، متون و تصاویر باقیمانده از دوران ساسانی نیز نشانه‌هایی پررنگ از این پرنده به چشم می‌خورد. در روایت تمثیلی و جهانی عطار نیشابوری یعنی منطق‌الطیر نیز با سفر گروهی از مرغان به سرپرستی هدهد مواجه هستیم که در تلاش برای رسیدن به آستان سیمرغ هستند. در این داستان هر مرغ، نماد دسته خاصی از انسان‌ها تصویر می‌شود که سختی‌های راه به‌تدریج هریک را از رسیدن به تمنای اولیه منصرف می‌کند و در نهایت تنها ۳۰ مرغ به کوه قاف رسیده و درمی‌یابند که سیمرغ خود آنها هستند اما در زمانه حاضر و در بار عموم مردم، سیمرغ به‌عنوان نماد و نشانه سینمای ایران شناخته می‌شود. پرنده‌ای که نام آن با مهم‌ترین رویداد فرهنگی و هنری ایران گره خورده و دریافت‌کننده سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر به آرزوی هنرمندان بسیاری تبدیل شده است. پیش از این که سیمرغ وارد جشنواره فجر شود به برگزیدگان این جشنواره سینمایی لوح زرین اهدا می‌شد؛ لوحی که در کمال سادگی با نقشی از نشان پرچم جمهوری اسلامی ایران ساخته شده بود. عمران لوح زرین بیشتر از شش سال نشد و مسئولان سازمان سینمایی فارابی به‌عنوان برگزارکننده جشنواره فجر تصمیم به طراحی جایزه‌ای گرفتند تا این طوطی را داشته باشد که نماینده سینما و فرهنگ ایران باشد. به‌همین خاطر ابراهیم حقیقی که از طراحان برجسته حوزه گرافیک به حساب می‌آید، مامور به انجام این کار شد. حقیقی با مطالعه آثار و نشانه‌های باستانی، در نهایت سیمرغ افسانه‌ای را انتخاب کرد. وارد این پرنده را در مواردی همچون کاشیکاری، نگارگری، قالی، تذهیب و هنر منبت ایرانی مشاهده کرد و پیش از رسیدن به طرح نهایی، اتوها و پیش طرح‌های مختلفی را مورد بررسی قرار داد. به عقیده حقیقی، سیمرغ بلورین، مشهورترین نشانی است که او تاکنون طراحی کرده است. گفتنی است سیمرغ بلورین علاوه بر این که موجود اسطوره‌ای است یک وجه تمایز ویژه نسبت به دیگر جوایز سینمایی دارد که آن نقش دوجعدی سیمرغ بر تکه‌ای بلور است. حقیقی درباره علت این موضوع می‌گوید: «سیمرغ» یک مرغ با حجم نیست، بلکه یک مفهوم در ادبیات و عرفان و نشانه‌تعالی و نور است و به‌همین دلیل هیچ چیز جز بلور نمی‌توانست نشانگر آن باشد.

پس از آن که فیلم‌های بخش سودای سیمرغ چهل و سومین جشنواره فیلم فجر اعلام شد، اکنای براهنی، کارگردان فیلم «بیر پسر» که برای حضور در این دوره ثبت‌نام کرده بود در فضای مجازی اعلام کرد که این فیلم به‌رغم تأیید هیأت انتخاب به جشنواره راه پیدا نکرده است. محمود گبرلو یکی از اعضای هیأت انتخاب جشنواره در صفحه مجازی خود یادداشتی منتشر کرد و

برخی آثار منع قانونی داشتند

چه یا چگونه گفتن مساله این است

در دومین نشست از سلسله نشست‌های بررسی سینمای ایران و جهان مدرسه نقد «جام جم» به موضوع جایگاه دانش در نقد فیلم پرداخته شد

در دومین نشست از سلسله نشست‌های بررسی سینمای ایران و جهان که با حضور بهزاد زهرایی (مدرس سینما)، سیدعلی ماه (تدوینگر)، محمدامین احمدی (فوق لیسانس سینما و فیلم‌نامه‌نویس)، مهدی صالحی (مدیرمسئول رسانه) و هنرجویان مدرسه نقد در دفتر روزنامه جام جم برگزار شد، به موضوعاتی همچون جایگاه دانش در نقد فیلم، معضلات نقد فیلم، سلبریتی‌های منتقد، نقد و فضای مجازی و چرا دانشگاه نقد نداریم؟ پرداخته شد.

زهرایی: در دومین نشست از سلسله نشست‌های مدرسه نقد به بررسی معضل نقد فیلم در ایران می‌پردازیم. مسأله این است که اکنون تمامی اقشار جامعه از هنرمندان، مخاطبان و علاقه‌مندان جدی سینما تا منتقدان، از فضای نقد کشور ناراضی هستند. باید واکاوی کنیم چرا فضای نقد به این سمت رفته و چه اتفاقاتی طی سالیان گذشته رخ داده که موجب ناراضیاتی همه شده است. چه المان‌ها و دلایلی به ناراضیاتی همه طیف‌ها منجر شده؟ چرا این عوامل به وجود آمده‌اند و به این موضوع بپردازیم که چه می‌توان کرد و راهکار چیست؟ برای مقدمه لازم است یادآوری کنم، نقد چیست و منتقد کیست؟ آنچه در دنیا مرسوم است، منتقد حلقه متصل هر اثر هنری به مخاطب، به‌خصوص مخاطب عام است. منتقد نقش مترجم را دارد که با دانش خود در زمینه مدیوم مربوطه، آثار آنالیز، بررسی و شاید عیارسنجی کند که از لحاظ کیفی در چه سطحی قرار دارد و این ترجمان را به مخاطب عام ارائه می‌کند. تعریف نقد نیز شامل بررسی، سنجش علمی و واکاوی غیرمغرضانه و با دانش یک پدیده، هنری یا غیرهنری است.

صالحی: معضل نقد فیلم در ایران به دلیل نبود دانش آموختگان متخصص، یکی از مشکلات اصلی است. نقد فیلم فراتر از داشتن یک دانش خاص است؛ یک منتقد باید به جمیع دانش‌ها از جمله سینما، علوم اجتماعی، تاریخ، هنر، سیاست و روانشناسی مسلط باشد. هرکس که ادعا می‌کند منتقد است، باید بتواند این دانش‌ها را تحلیل کند و به شکلی قابل فهم برای عموم مردم بیان کند که متأسفانه در جامعه امروزی کمتر با آن روبه‌رو هستیم؛ البته روزنامه جام جم با راه‌اندازی مدرسه نقد و بهره‌گیری از اساتید خبره، تلاش می‌کند نقد را به سمت درست هدایت کند که جای تقدیر دارد.

زهرایی: پس به‌واقع منتقد باید دانش کافی داشته باشد. به نظر شما، وجود تعداد زیاد افراد بدون دانش امروز در محیط سینما که به علوم بین‌رشته‌ای مسلط نیستند، به بدنه نقد آسیب می‌زند.

احمدی: نقد سینمای ایران از ابتدا با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است.

درباره روند انتخاب آثار و برخی حواشی پیش آمده توضیح داد. وی در این یادداشت نوشت: در میانه راه اعلام کردند برخی فیلم‌ها که به‌نظر می‌رسید مورد پسند اکثریت اعضا هستند، مانند «بیرپسر»، «رکسانا» و «بی سروصدا» دارای مشکلات قانونی بوده و به‌طور اشتباهی برای بررسی در اختیار هیأت انتخاب قرار گرفته است. خیلی دل‌مان سوخت چون یکی از این فیلم‌ها می‌توانست تحولی در

سینمای ایران ایجاد کند. به اجبار و با بی‌میلی از جدول انتخاب‌ها کنار گذاشته شد. همچنین هیأت انتخاب پیشنهاد کرد برخی فیلم‌ها که به‌خاطر منع قانونی یا حساسیت‌های گذشته از نمایش عمومی بازمانده بودند با موافقت سازندگان در بخشی ویژه به نمایش گذاشته شوند اما در پایان، ما فیلم‌های ثبت‌نام‌شده را که دبیرخانه در اختیارمان گذاشته بود، مشاهده کردیم.



تحلیل‌های علمی و فنی است. این افراد غافل‌اند از این که، چرا فکر می‌کنید امروزه دیگر دیدگاه‌ها و نظریات شخصی و غیرعلمی شما باید برای مردم جذاب و قابل تأمل باشد؟!

در ایران نوشته‌های سینمایی به‌طور دقیق طبقه‌بندی نشده است. این نوع نوشته‌ها گاهی توسط افرادی نگارش می‌شود که علاقه‌مند به سینما هستند ولی فاقد دانش جامع و کافی در این زمینه‌اند. نمونه‌ای از این نوع نوشته‌ها در آثار ایرج کریمی دیده می‌شود که نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس، کارگردان و ادیب بود اما نوشته‌هایش بیشتر بیان نظرات شخصی بود تا نقد واقعی سینمایی.

نوع دیگری از نوشته‌های سینمایی، ریویوها است که به‌طور عمده در خدمت اهداف تجاری فیلم‌ها قرار دارد. ریویوها، فیلم را به مخاطب معرفی کرده و گاهی با تأکید بر جنبه‌های خاصی از فیلم، برای جذب مخاطب، تلاش می‌کند.

نقد آکادمیک، یکی دیگر از انواع نوشته‌های سینمایی است که فیلم را به‌صورت دقیق و علمی، تحلیل و آنالیز می‌کند. این نوع نقد معمولاً در مدارس سینمایی تدریس می‌شود و به واکاوی عناصر مختلف فیلم می‌پردازد.



صالحی:

نقد فیلم فراتر از داشتن یک دانش خاص

است: یک منتقد باید به جمیع دانش‌ها

از جمله سینما، علوم اجتماعی،

تاریخ، هنر، سیاست و روانشناسی

مسلط باشد. هرکس که ادعا

می‌کند منتقد است، باید

تواند این دانش‌ها را

تحلیل کند



روایت کردی یا بگویند باید این را می‌ساختی.» چیزی که متأسفانه در کشورمان زیاد داریم و همه هم این را به‌عنوان نقص فیلم‌ها بیان می‌کنند؛ نشان‌دهنده جای خالی نقد واقعی است.

از مرحوم ایرج کریمی نام بردید که دوست نازنین بنده بود اما واقعیت این است که در بسیاری از نوشته‌های ایشان نیز همان چیزی که ما به معنای نقد واقعی مدنظر داریم، دیده نمی‌شود. به‌عنوان مثال، در کتاب «آن تماشاگر» و به‌خصوص در نقد فیلم «آیا برامس را دوست دارید» اخدا حافظ دوباره، ایرج کریمی به موضوع میانسالی می‌پردازد. اگرچه نوشته‌هایش زیبا و دل‌نشین است اما ربطی به فیلم و سینما ندارد و صرفاً فیلم بهانه‌ای برای برون‌ریزی دیدگاه شخصی نویسنده‌اش به بهانه فیلم دارد که البته بسیار هم زیبا و قابل تأمل است ولی بی‌تردید نقد فیلم نیست، حال این که چنین نوشته‌هایی در کشور به‌عنوان نقد ایده‌آل شناخته می‌شود، بحث دیگری است.

نقد فیلم باید به شکل علمی و با ادله سینمایی باشد، همراه زیبایی ادبی و با زبانی ساده که قابل فهم برای مخاطب عام باشد و گرنه تبدیل به نقد آکادمیک می‌شود که مخاطب خاص دارد و همه فهم نیست. نقدی که براساس دانش و تحلیل‌های دقیق سینمایی نوشته شده باشد، می‌تواند به مخاطب کمک کند تا بهتر و دقیق‌تر از یک فیلم لذت

ببرد؛ بنابراین، مسأله اصلی در نقد سینمای ایران، نبود دانش کافی و جامع و استفاده از سلیقه‌ها و دیدگاه‌های شخصی به‌جای



زهرایی:

منتقد باید دانش کافی داشته

باشد. بنابراین وجود تعداد

زیاد افراد بدون دانش

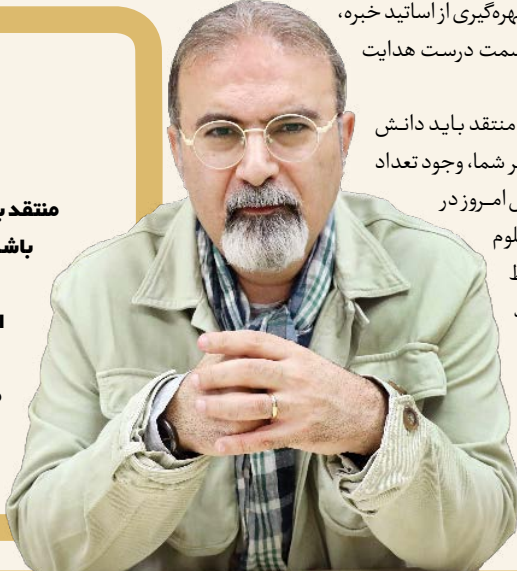
امروز در محیط سینما که

به علوم بین‌رشته‌ای

مسلط نیستند، به بدنه

نقد آسیب

می‌زند



دیدگاه

انتقاد از عملکرد بنیاد سینمایی فارابی

محمدرضا لطفی، کارگردان فیلم تعارض با بیان این که ماهیت بنیاد سینمایی فارابی در دوره سینمای نگاتیو شکل گرفت و قرار بود یارانه به سینما وارد کند؛ گفت: وقتی سینما دیجیتالی شد، این بنیاد ماند و به تولید وارد شد که غلط است. وظیفه دولت‌ها حمایت از فرهنگ است اما اینجا این نهاد‌ها رقیب بخش تولید خصوصی شده. در هیچ جای دنیا بخش دولتی تولید نمی‌کند و این غلط است و این امر موجب شده آثار دولتی کیفیت پایینی داشته باشد. لطفی تأکید کرد: متأسفانه مخاطب فیلم من سال‌هاست پایش از سینما قطع شده است. مخاطب سینما رو در سینما نداریم با احترام به کسانی که سینما می‌روند، بخش عمده‌ای از کسانی که سینما می‌روند، مخاطبان کنسرت‌های طنز هستند که به جای بلیت ۸۰۰ هزار تومانی، با ۸۰ هزار تومان لوذگی می‌بیند. مخاطبان سینما رو یا در کافه‌ها هستند یا در خانه، فیلم‌های جدی روز دنیا را پیگیری می‌کنند. یک دهه است که مخاطبان سینما رو از سینما حذف کردیم. مخاطب واقعی سینما را از سالن‌ها حذف کردند و جای آن سیاهی لشکر آوردند.



چهره

فیلمساز دینی باید تکنیک هم بداند



سعیدنجاتی، فیلمساز و داور بخش داستانی پنجمین جشنواره فیلم‌های کوتاه اشراقی در گفت‌وگو با ایلنا، اظهار کرد: اگر فیلمساز به تکنیک تسلط نداشته باشد، پرداختش به یک مفهوم نتیجه عکس می‌دهد. پیشتر نمونه‌هایی از این فیلم‌ها دیده‌ایم که به‌عنوان فیلم‌های دینی شناخته می‌شد و در این آثار به سطحی‌ترین شکل ممکن به مسائل دینی پرداخته می‌شد و معمولاً بازخوردهای خوبی هم نسبت به این آثار وجود نداشت. حتی نمونه‌هایی بود که در جشنواره‌ها نمایش داده می‌شدند و بیشتر به شوخی شبیه بودند و موجب خنده مخاطبان می‌شدند. پرداختن به مفاهیم دینی مهارت بالایی نیاز دارد و هر فیلمسازی نمی‌تواند به این حیطه ورود کند و اصلاً سینما هم قابلیت پرداختن به برخی مفاهیم و مضامین را ندارد؛ نهایتاً فیلمساز با مهارتی که دارد، می‌تواند اشاراتی به آنها داشته باشد. فیلمساز باید پیچیدگی درام را درک کند و با این تصور، وارد این عرصه شود.